

اوصاف بهشت و حوریان آن در بیان آیت الله مدرسی

اوصاف بهشت

آیت الله العظمی سید محمد تقی مدرسی در هشتمین جلسه تفسیر سوره انسان ، موضوع این سوره را درباره بهشت دانستند و در این جلسه به بیان اوصاف بهشت و حوریان بهشتی پرداختند و توصیه ای برای رفع کسالت روحی بیان فرمودند و به خواص خواندن این سوره در نماز صبح روزهای دوشنبه و پنج شنبه اشاره کردند.

بسم رب المهدی(عج)

به گزارش پایگاه اینترنتی دست نوشته های معارفی امیرمحسن سلطان احمدی سیرجانی(سلطان احمدی دات آی آر)؛ هشتمین جلسه تفسیر و تدبیر در قرآن مرجع عالیقدر تقلید و مفسر تفسیر من هدی القرآن (هدایت) حضرت آیت الله العظمی «سید محمد تقی مدرسی دام ظلّه»، بامداد امروز سه شنبه ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ برابر با هشتم ماه مبارک رمضان در دفتر تهران معظم له با محوریت تفسیر آیات ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ سوره انسان برگزار شد. معظم له با اشاره به این آیات به اوصاف بهشت و حورالعین های بهشتی پرداختند.

خداوند متعال در این آیات می فرماید:

وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا [۱۲]

و به [پاس] آنکه صبر کردند بهشت و پرنیان پاداششان داد

مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا ظِلًّا [۱۳]

در آن [بهشت] بر تختها [ی خویش] تکیه زنند در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلُّ لَاتٍ قُطُوفُهَا تَذَلُّلًا [۱۴]

و سایه [ها] [درختان] به آنان نزدیک است و میوه [هایش] برای چیدن [رام



مشروح بیانات معظم له در این جلسه به شرح زیر است:

بهشت موضوع محوری سوره انسان

سوره های قیامت، دهر(انسان)، مرسلات سه سوره آخر جزء ۲۹ قرآن است، در این سه سوره، خداوند سه موضوع را بیان فرموده است که در سوره قیامت، موضوع قیامت، در سوره دهر یا انسان موضوع بهشت (اوصاف بهشت)، و در سوره مرسلات درباره دوزخ سخن گفته شده است. بنابراین اگر در عرائض ما درباره بهشت و اوصاف بهشت بیشتر صحبت می شود، به تناسب همین سوره کریمه انسان است که عرض شد موضوع این سوره بهشت و اوصاف بهشت است.

ایجاد تحول در انسان قبل از ورود به بهشت

انسان قبل از وارد شده به بهشت در او یک تحولی ایجاد می شود. یعنی این انسانی که مدتی در دنیا و برزخ و روز قیامت بوده، اکنون جهت ورود به بهشت در او تحولی ایجاد می شود و یک خلقت جدید رخ می دهد و بعد از این تحول جدید وارد بهشت می شود.

نوشیدن آب کوثر (شَرَابًا طَهُورًا)

در ورودی بهشت دو آب قرار دارد که یکی آب کوثر است که در همین سوره به آن اشاره شده و خداوند می فرماید: «رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا»؛ (و پروردگارشان شراب طهور به آنان می‌نوشاند!) آیه ۲۱ سوره انسان) که شب قبل در این باره بحث شد. حالا مومنین قبل از ورود به بهشت با نوشیدن آب کوثر هر پلیدی درونی و برونی در آنها هست از بین می رود. مثلاً دیگر نه مریضی جسمی دارند و نه اینکه در

آنها تکبر هست، و امثال آن.

این شرابی است که خدا آن را به دست آقا علی بن ابی طالب(ع) داده است و ایشان آن را به مومن می خرانند. بعضی از مفسرین و عرفای الهی می گفتند: همین که خدا می دهد پس همه چیز در آن هست.

آب حیات (نحر الرحمه)

یک آبی هم نزدیک در بهشت است که به آن «نحر الرحمه» می گویند. و این آب همان آب حیات است که گاهی درباره آن بحث می شود. حالا اگر کسی در آن آب رفت و غوطه ور شد دیگر مرگ سراغش نمی آید. پس ابتدا آن شراب را می خورد و سپس در این آب هم شنا می کند و خود را شستشو داده و حالا وارد بهشت می شود.

افق بی نهایت نعمات بهشتی بر اساس رحمت الهی نه اعمال ما

دیگر اوصاف بهشت این که، نعمت های بهشتی نظر به کار و اعمال ما در دنیا ندارد و کار ما فقط یک بهانه بوده و رحمت خدا اساساً آن نعمت ها را لطف فرموده است؛ به تعبیر بنده، به این دلیل نعمت های بهشت افق ندارد و بی نهایت است.

یک وقت در زمان های گذشته مردم حساب های فلکی را بلند نبودند. مثلاً میلیون، میلیارد، تریلیون را نمی دانستند، حتی نمی دانستند در آسمان ها چند میلیارد ستاره و چند میلیون کهکشان است و فضای علمی آنها اقتضای فهم این مسائل را نداشت. حالا در چنین شرایطی ائمه(ع) چگونه رقم را بیان می کردند؟ حضرات معصومین(ع) برای بیان رقم می گفتند: به مقدار دانه های شنی که در فلان صحرا هست. مثلاً اگر می خواستند رقمی از بهشت یا دوزخ را بیان کنند اینگونه بیان می کردند.

بقای مخلوق در بهشت به فضل الهی

اگر گفته شد که بشر در بهشت مرگ ندارد و خلود دارد، به این مفهوم نیست که تحولی که در او ایجاد شده او را خالق کند! ابداً چنین نیست و او همچنان مخلوق است ولی بقای او به فضل الهی است. از این جهت هر روز خدا برای هر یک از مومنین به اسم و آدرس و مشخصات آنها نامه ای می فرستند و ملائکه ای آن را می آورد.

ضمناً بهشت جوری است که هر یک مومن، یک پادشاه است و برای خودش خادم و تشکیلاتی دارد و هرگز مرگ سراغ آنها نمی آید. ولی خدا

خلودش ذاتی است اما خلود مومن عرضی و به امر و توفیق خدا است.

روزهای بهشت تکراری و خسته کننده نیست

اگر گفتیم بی نهایت به این مفهوم است که در بهشت زمان و مکان بی نهایت است. بی نهایت بودن زمان و مکان از دیگر اوصاف بهشت است. خوب فرض کنید، فردی می خواهد در یک خانه چند روز بماند، روز اول عادی است اما هر چه روزها می گذرد، ماندن او باعث خسته شدن است. حالا اگر خواستیم میلیون ها سال در بهشت باشیم، دیگر خسته نمی شویم، چون مرتباً خدا به ما چیزی اضافه می دهد.

اولاً ممکن نیست کسی در بهشت کسی بتواند به تمام باغ ها، کاخ ها و حورالعینی که خدا به او داده ورود کند؛ چون این قدر تعداد این ها زیاد است که اصلاً کسی نمی رسد به همه آنها ورود کند.

ضيافت الهی در شب های جمعه در بهشت و دو برابر شدن نعمت ها

دوماً در شب های جمعه تمام اهل بهشت به ضیافت خدا می روند! حالا این ضیافت کجاست ما نمی دانیم. حالا خدا به بندگان مومنش می گوید: بندگان من مهمان من هستید و هرچه دادم به شما اکنون مضاعف می شود. پس در هر شب جمعه این نعمت ها دو برابر می شود و کسی در آنجا از نظر زمان و مکان خستگی ندارد.

درخواست ابوبصیر از امام صادق(ع) برای کسب شوق بیشتر به بهشت

روایتی از امام صادق(ع) از ابوبصیر که یکی از اصحاب حضرت و پدرشان امام باقر(ع) است نقل شده و ابوبصیر کسی است که حضرت درباره او فرمودند: اگر او و چند نفر دیگر نبودند، دین پدر من امام باقر(ع) از بین رفته بود. حالا این ابوبصیر خدمت حضرت رسیده و از حضرت درخواست دارد که مرا نسبت به بهشت مشتاق کنید. به نحوی درخواست بیان اوصاف بهشت را دارد.

شب گذشته عرض شد که ایمان چهار پایه دارد: شوق بهشت، ترس دوزخ، صبر و جهاد که هر کدام چند قسم دارند. حالا ابوبصیر برای شوق بهشت خدمت حضرت رسیده و این درخواست را دارد که مرا مشتاق تر به بهشت کنید.

ابوبصیر که جزء اصحاب حضرت بود، چرا چنین درخواستی کرد؟!

ابتدا در کنار این روایات یک استفاده جنبی داشته باشیم و آن این

که ابوبصیر که خودش از یاران حضرت است چه شده که خدمت حضرت رسیده و درخواست بیانی از بهشت جهت شوق بیشتر به آن را نموده است؟ شاید او خسته بوده یا مشکلی برایش پیش آمده و می خواسته با شنیدن اوصاف بهشت یک شوق به بهشت در او ایجاد شود. این شوق بهشت باعث می شود که فکر شهوات دنیوی نکنید و به شهوات دنیوی توجه نداشته باشید.

راهکاری برای درمان کسالت عبادی

اصلا این وظیفه مومنین است که اگر دیدند در کار خیر سست و خسته شدند، مثلا در نماز و روزه و عبادات کسالت دارند و شل شده اند؛ در چنین شرایطی موظف هستند که کاری کنند که به روحیه عبادی خود افزوده شده و این کسالت رفع شود. در چنین وضعیتی سعی کنید نزد عالمی بروید، یا اینکه قرآن بخوانید، و یا اینکه به گورستان و بیمارستان بروید و از آن عبرت بگیرید، تا روحتان بیدار و خستگی دور شود؛ به هر صورت که شده باید موتور عبادی خود را تقویت کنید و به آن سوخت بدهید که شل و خسته نشود.

پس ابوبصیر این حرف را زد. من می خواهم از کنار روایات استفاده های جنبی داشته باشیم و استفاده کنیم که ابوبصیر چه شده بود خسته شده بود مشکلات پیدا کرده بود می خواست نیرو بگیرد نمی دانم و این وظیفه مومن است که اگر دید در کار خیر سست شد و روزه های را با کسالت عبادت را با کسالت می گیرد و شل شد موظف است کاری کند این روحیه خودش اضافه شود یا نزد عالمی بروید، یا قرآن بخواند یا به گورستان ها و بیمارستان ها برود و عبرت بگیرد و یک جوری موتور خود را تقویت کند و سوخت بدهد تا تقویت شود.

حالا ابوبصیر که از اصحاب امام باقر(ع) بود، خدمت امام صادق(ع) رسیده و می گوید:

پاداش خدا به سبب صبر در دنیا / معنای حقیقت صبر

خداوند در ادامه می فرماید: « وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا »؛ (به پاس آن که آنکه صبر کردند بهشت و پرنیان پاداششان داد. آیه ۱۲ سوره انسان) در این آیه خدا می فرماید به سبب صبری که در دنیا داشتند، به آنها جزا دادیم. بنابراین حقیقت ایمان صبر است، و اساس صبر این است که انسان لحظه ای که در آن است به آن توجه نکند و توجه او به آینده باشد.

مثلا اگر در سختی دنیا است، به آن لحظه توجه نکنند، بلکه توجه اش به آینده که آخرت و بهشت است، باشد. به فرضی شخصی بیمار در بیمارستان است و باید جهت بهبودی به اتاق عمل برود و زیر تیغ جراحی عمل کند، این رفتن به اتاق عمل و جراحی سخت است، اما او به این لحظه سختی عمل توجه نمی کند، بلکه به او می گویند بعد از عمل کردن تو خوب خواهی شد، بنابراین این فرد دیگر آن سختی و درد آن لحظه عمل را توجه نمی کند و به آینده که خوب می شود، توجه می کند.

پس بهشتیان کسانی هستند که در دنیا مومن بودند و فکرشان از دنیا عبور کرده بود و در آخرت بودند. اما متاسفانه فکر ما همچنان در همین دنیا است؛ به طور مثال اگر یک دانشجو در درس و تحصیل صبر می کند، اما جنس این صبر او برای همین دنیا است، که صبر می کند فارغ التحصیل شود تا به شغل و پست و مقامی برسد و زندگی تشکیل دهد، دایره فکر او بیشتر از همین دنیا نیست و به آخرت و رسیدن به بهشت نمی اندیشد و کلا اگر صبری هم دارد، در چهارچوب دنیا صبر دارد.

اما مومنین در دنیا صبرشان برای آخرت است، که در همین آیه خداوند در پاداش صبر آنها می فرماید جزای این ها جنت است، و جنت به معنای باغ است و لباس آنها هم از حریر است.

در آسایش و استراحت بودن همیشگی اهل بهشت

در آیه بعد خداوند می فرماید: «مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْضِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمهَرِيرًا»؛ (در بهشت بر بخت های خویش تکیه زنند که در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمای. آیه ۱۳ سوره انسان) این تعبیر اینکه نه آفتابی نه سرمای نمی بینند به این دلیل است که آنها در بهشت شغل و گرفتاری ندارد، پس نه حرارت خورشیدی آنها را آزار می دهد و نه اینکه از سرما گریزان هستند.

بالاخره در دنیا هر کس شغل و کاری دارد و مشغولیات دنیای بعضی ها زیاد است و وقتی آنها سرشان خلوت و از کار فارغ می شوند، به جایی می روند که استراحت کنند، اما در این آیه می گوید که بهشتیان مشغولیتی ندارند و همیشه در حال استراحت هستند.

نزدیک بودن میوه های درختان در بهشت

در آیه بعد خداوند در ادامه بیان ویژگی های بهشت می فرماید: «

وَدَانِيَّهِ عَالِيَهُمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّ لَاتٍ قُطُوفُهَا
تَذَلِيلًا؛ (و سایه های درختان به آنان نزدیک است و میوه های
برای چیدن رام. آیه ۱۴ سوره انسان) در این آیه اشاره شده که شاخه
های درختان میوه به بهشتان نزدیک است. قطوف هم در این آیه منظور
میوه رسیده است، که شاخه های این میوه های رسیده به آنها نزدیک
است.

نزدیکی این شاخه های میوه به نحوی است که اگر بهشتیان ایستاده
باشند، یا نشسته و یا حتی خوابیده این شاخه ها به آنها به همان
نحوه نزدیک هستند تا بتوانند از آن میوه ها استفاده کنند. بحث
های بهشت زیاد است و وقت کم است.

کاری کنید که خدا بهشت را بر شما واجب کند

گاهی وقتها از کسی کار بدی سر می زند و وقتی خداوند این کار را
از او می بیند می فرماید هر کاری می خواهی بکن، ولی من دیگر هیچ
وقت نمی بخشمت! خداکسی را می بیند کار بد می کند هرکاری خواهی
بکن ولی من هیچ وقت تو را نمی بخشم! ولی برعکس هم هست، گاهی خدا
برای کسی که کار خیر می کند، بهشت را بر خودش واجب می کند. در
این خط بروید که خدا بهشت را بر شما کند، و این خیلی مردانگی و
همت می خواهد.

خواندن سوره انسان در نماز صبح روزهای دوشنبه و پنجشنبه

مردم در گذشته نسبت به دو روز از هفته احساس بدبینی و کسالت
داشتند و این دو روز، دوشنبه و پنجشنبه بود. حالا شاید هم این
بدبینی مردم قدیم دلیلی داشته است. از این رو در روایات آمده که
برای اینکه در این روز به شما آفتی و بلایی نرسد در نماز صبح این
دو روز در رکعت اول بعد از سوره حمد، سوره هل اتی (انسان) را
بخوانید و در رکعت دوم بعد از حمد سوره غاشیه را بخوانید. که اگر
کسی چنین کرد در آن روز هیچ بدی به او نمی رسد.

خداوند هم در آیه ۱۱ این سوره فرمودند: «فَوَقَّاهُمُ اللّٰهُ
شَرًّا ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَاقَّاهُمُ نَضْرَةٌ وَسُرُورًا؛ (خدا
آنان را آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادابی و شادمانی به
آنان ارزانی داشت. آیه ۱۱ سوره انسان) حالا چون خدا در این آیه
فرموده آن روز به آنها شری نمی رسد، از این جهت به میمنت این
کلمه روز دوشنبه و پنجشنبه اگر کسی نماز صبح را به این کیفیت
بخواند در آن روز هیچ شری به او نخواهد رسید.

بیان ویژگی های بهشت جهت تشویق شما

حالا کمی از ویژگی های بهشت را جهت تشویق شما عرض کردیم و امیداوریم خدا ما را اهل بهشت کند و این نفس اماره را غل و غم و نابود کند و به ما همان قدرتی را بدهد که به اولیاء خود داد که توانستند از خاکریزهای دنیا عبور کنند و به بهشت الهی برسند.

پدیدآورنده:

به قلم: **امیرمحسن سلطان احمدی**

www.soltanahmadi.ir